



دوره هشتم تقنینیه

جلسه ۶۲

صورت مشروح

مذاکرات مجلس

(بدون مذاکرات قبل از دستور)

جلسه شنبه ۱۸ دی ۱۳۱۰ - ۳۰ شعبان ۱۳۵۰

قیمت اشتراك سالیانه ۱۲۰ تومان
داشته ۱۰۰ تومان
نك شماره: يكقران

مطبعه مجلس

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز شنبه ۱۸ دی ماه ۱۳۱۰ هـ (۳۰ شهریور ۱۳۰۹)

اظهارات و مذاکرات

(۱) تصویب صورت مجلس
(۱) تصویب ده فقره سرشماری

(۲) دور و تصویب لایحه اعتبار خریداری سهام شرکت نفت
(۱) اولاد و دستور جلسه بعد - تمام جلسه

مجلس يك ساعت و ربع قبل از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید

صورت مجلس روز سه شنبه چهار دهم دی ماه را آقای مؤید احمدی (مجلسی) قرائت نمودند ۱۳۱۰

۱ - تصویب صورت مجلس

ولیس - آقای دکتر ملک زاده
دکتر مالک زاده - قبل از دستور
ولیس - آقای طباطبائی دیبا
طباطبائی دیبا - قبل از دستور

ولیس - در صورت مجلس نظری نیست ؟ (نایبندگان
لشیر) صورت مجلس تصویب شد. آقای وزیر پست و
تلگراف

ولیر پست و تلگراف (میرزا قاسم خان سوز) -
عرض کنم يك لایحه چندى پیش تقدیم کردم واجه ؟

تلخ مدتی است گذشته است و منتهی اناره و باید تکلیف
ممن شود اگر آقایان موافقت می فرمایند مطرح شود.

ولیس - بسیار خوب

۲ - تصویب ده فقره سرشماری

ولیس - از طرف آقای جدیدی تقاضا شده است
دایرورت مرخصی آقایان وکلای کردستان و سایر
مرخصی ها قرائت شود. و بعضی از رفقای دیگر هم
بهنده نوشته اند که چرا دایرورت های کمیسیون را در دواب
مرخصی نمی خوانیم. اطاعت می شود.

(ده فقره دایرورت مرخصی شرح قبل قرائت شد.)
خیر مرخصی آقای میرزا صادق خان آکبر

۱۳۱۰ عین مذاکرات مشروح شدت و در همین جلسه از دوره هشتم تقابلیه . (مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۹)
دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

۱۳۱۰ اسامی غائبین جلسه قبل که شدن صورت مجلس خوانده شده است
غزینی با اوژده - آقوان : اعتیالی - عدل - اقول
غزینی بی اوژده - آقوان : تپود تپی - حاج میرزا حبیب الله امین - اعتمادزاده - طو راوی - دستار لندن - مصطفی جوامعی
میرزا اسدالله قزو - محمدالمصطفی غنی دیبا - حمراز - حاج غلامحسین ملک
فیر آند کرم بی اوژده - آقوان : میرزا سید محمدحسین قلمی - برض آقا و مراد زاده

نماینده محترم آقای میرزا صادق خان کبریا - بواسطه کسالت از تاریخ ۲۵ شهریور ۱۳۱۰ قاضای پست روز مرخصی نمودند. کمیسیون با اختصاص پانزده نفر از مقرری این مدت بهصرف سوخت زمستانی فراق که با نظارت اداره مباشرت مجلس مقدس انجام خواهد گرفت با قاضای ایشان موافق و اینها خبر آرا قدیم بدارد.

ولیس - آقای ملک.

ملک مدلی - موافق.

ولیس - موافقین قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

ولیس - تصویب شد.

نخیر مرخصی آقای دکتر سنگ

نماینده محترم آقای دکتر سنگ بواسطه کسالت قاضای پست و هفت روز مرخصی از تاریخ ۲۷ آبان ۱۳۱۰ نمودند. کمیسیون با اختصاص سی و تمان نفر از مقرری این مدت بهصرف امور خیره که تحت نظر اداره مباشرت مجلس مقدس انجام خواهد گرفت با قاضای ایشان موافق و اینها خبر آرا قدیم بدارد.

ولیس - آقای چندبندی.

چندبندی - موافق.

ولیس - آقای ملک هم موافقت. آقایان موافقین با مرخصی آقای دکتر سنگ قیام فرمایند.

(غالب برخاستند)

ولیس - تصویب شد.

نخیر مرخصی آقای مرخصی قلی خان پات:

نماینده محترم آقای مرخصی قلی خان پات برای رسیدگی بامودات محلی قاضای پست و دو روز مرخصی از تاریخ ۲۷ آبان ۱۳۱۰ نمودند. کمیسیون با اختصاص پانزده نفر از مقرری این مدت بهصرف سوخت زمستانی فراق که با نظارت اداره مباشرت مجلس مقدس انجام خواهد گرفت با قاضای ایشان موافق و اینها خبر آرا قدیم بدارد.

ولیس - آقای مودودی.

مودودی - موافق.

ولیس - آقای ملک هم موافقت.

ملک مدلی - بلی.

ولیس - آقایان موافقین قیام فرمایند.

(غالب برخاستند)

ولیس - تصویب شد.

نخیر مرخصی آقای میرزا محمدخان وکیل

نماینده محترم آقای میرزا محمدخان وکیل بواسطه کسالت از تاریخ ۱۴ اردیبهشت ۱۳۱۰ قاضای ۲۵ روز مرخصی نموده و پانزده نفر از مقرری این مدت را با اختصاص بهصرف سوخت زمستانی فراق با نظارت و تشخیص اداره مباشرت مجلس مقدس داده اند. کمیسیون با قاضای ایشان موافق و اینها خبر آرا قدیم بدارد.

ولیس - آقایان موافقین قیام فرمایند.

(غالب قیام نمودند)

ولیس - تصویب شد.

نخیر مرخصی آقای دکتر طاهری:

نماینده محترم آقای دکتر طاهری برای رسیدگی بامودات محلی قاضای چهل و چهار روز نندید مرخصی از تاریخ اقتضای مرخصی سابق خود نمودند. کمیسیون با قاضای ایشان موافق و اینها خبر آرا قدیم بدارد.

ولیس - موافقین با مرخصی آقای دکتر طاهری قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

ولیس - تصویب شد.

نخیر دیگر مرخصی آقای میرزا محمد خان وکیل

نماینده محترم آقای میرزا محمد خان وکیل برای رسیدگی با امور محلی قاضای سی و تمان نفر از تاریخ حرکت نمودند. کمیسیون با قاضای ایشان موافق و اینها خبر آرا قدیم بدارد.

ولیس - آقای روحی.

روحی - عرض کنم بنده می بینم گاهی کمیسیون محترم عراض نبیض میکند و این رویه را بنده خوب ننیدم. اگر پانزده است بایشی عمومی باشد اگر نیست چرا

پانزده دنه اختصاص دارد بنده ننیدم. البته این حقیکه نماینده است. مجلس هم رای میدهد. ما هم حق اعتراضی نداریم اما نبیض کمیسیون را بنده نمی فهمم.

ولیس - آقای امیر.

شاهزاده محمد هاشم میرزا (امیر) - عرض کنم تصور می کنم که این مسئله از اختیار کمیسیون خارج است. کمیسیون مطابق نظامنامه اگر عذر وکیل موجه است باید مرخصی بدهد والا غیر (صحیح است) این امر اختیاری است پانزده کسی میخواهد تمام حقوق خودش را بدهد برای پانزده نفر. پانزده کسی ننیدم. کمیسیون حق ندارد بدین که بگوید چند باید بدهد این به عقیده بنده از وظایف خارج است (صحیح است).

ولیس - عرض کنم کمیسیون هیچ وقت حق خودش را بندهم خودش چیزی از حقوق شخصی کسر نکرده است.

(صحیح است) ولی چون دادگاه مایل بوده است برای تقلیل قاضای مرخصی پانزده اشکالی و لو باطور کوچک هم باشد شود پانزده که های شخصی با اشخاص از حقوق آنها کسر کرده ولی همان طوری که بنده می بینم کمیسیون هیچ وقت بدل و پختن با حقوق دیگری نکرده است (صحیح است). رای میگیرم بر مرخصی آقای وکیل. موافقین قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

ولیس - تصویب شد.

نخیر مرخصی آقای آصف:

نماینده محترم آقای فرحان خان آصف قاضای سی و تمان نفر از تاریخ حرکت برای رسیدگی با امور محلی نمودند. کمیسیون با قاضای ایشان موافق و اینها خبر آرا قدیم بدارد.

ولیس - آقایان موافقین قیام فرمایند.

(غالب نمایندگان قیام نمودند)

ولیس - تصویب شد.

نخیر مرخصی آقای متقی

نماینده محترم آقای متقی برای رسیدگی با امور محلی از

تاریخ حرکت قاضای سی و تمان نفر مرخصی نمودند. کمیسیون با قاضای ایشان موافق و اینها خبر آرا قدیم بدارد.

ولیس - آقایان موافقین قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

ولیس - تصویب شد.

نخیر مرخصی آقای خان محمد خان حبیبی:

نماینده محترم آقای خان محمد خان حبیبی برای رسیدگی با امور محلی قاضای سی و تمان نفر از تاریخ حرکت نمودند. کمیسیون با قاضای ایشان موافق و اینها خبر آرا قدیم می دارد.

ولیس - آقایان موافقین قیام فرمایند.

(غالب قیام نمودند)

ولیس - تصویب شد.

نخیر مرخصی حاج به آقای رهبری:

نماینده محترم آقای رهبری بواسطه عارضه کسالت قاضای پست روز نندید مرخصی از تاریخ اقتضای مرخصی سابق نمودند. کمیسیون پانزده نفر از مقرری این مدت جهت سوخت زمستانی فراق که با نظارت اداره مباشرت مجلس مقدس انجام خواهد گرفت با قاضای ایشان موافق و اینها خبر آرا قدیم بدارد.

ولیس - آقایان موافقین با ن خبر هم قیام فرمایند.

(جمعی برخاستند)

ولیس - تصویب شد.

خوادمه شد و ممکن است گفته شود مرخصی ها شاید زودتر از انتظار آمده بود بدین توضیحی اجاب دارم: اولاً لازم است که تذکر شود غالب این مرخصی ها راجع بگذشت است و عاید به آینده نیست. و ثانی در حد تصاب اکثریت آینده ندارد. ثانیاً مسافرت این آقایان برای حوائج خصوصی نبوده و برای کار اجتماعی و نوعی بوده مثلاً آقای دکتر طاهری و آقای سید کاظم یزدی برای تنظیم شرکت نفیسی یزد رفتند.

آقایان نمایندگان کردستان رتاز احسان وطنی و نوعی خود مسافرت کرده اند و آقای صادق خان اکبر برای پذیرال نمایندگان هنکاهی که به کپزلان رفته و دیدم

عزیمت نمودند منظور این است که عدهٔ مرخصی ها که خوانده شد چون نسبت بسایه امر و موجبات مرخصی ساکت است و تمهید باشد. آقای وزیر پست و تلگرافت فرمایشی دادید:

وزیر پست و تلگراف - میخواستم لایحه تلفن مطرح شود.

ولیس - خبر کمیسیون راجع به شرکت تلفن ؛ کمیسیون بودجه و اجنتر آقای وزیر پست و تلگراف لایحه نمبر ۵۴۵ دولت راجع با اجازهٔ استفسار مبلغ یک میلیون تومان از بانک ملی را برای خرید اسهام شرکت تلفن و زیر سرمایه و توسعهٔ اشکالات تلفن مطرح و مورد مطالعه فراراده نظر پوشیدنیهای که آقای وزیر پست و تلگراف در دست تلفن و وضعیت آن در ولایات و لزوم خریداری اسهام تلفن بیان نمودند کمیسیون لایحهٔ مزبور اظهار موافقت نموده و تعلیقا واپوروت خود را به مجلس مقدس شورای ملی تقدیم میدارد مادهٔ واحده - یوزارت پست و تلگراف اجازه داده می شود که برای خرید اسهام شرکت کل تلفن و مؤسسات تلفنوی و لایات و زیر سرمایه و توسعهٔ اشکالات تلفنوی مبلغ یک میلیون تومان توسط وزارت مالیه از بانک ملی ایران استقرض نموده و در مدت هفت سال و نیم اقسامات حاصله عمل تلفن وجه مزبور را اصلاحاً و ترتیباً از منابع اسهام خود بردارد - بقیه عایدات عمل کرد تلفن نیز در مدت مزبور کلا و بالاخصار مخضص مناجاز اداره و تکبیل توسعه کار تلفن بوده و ده ساله اندر بودجهٔ دولتی برای همین مقصود منظور خواهد شد و آنچه هم صرفه جویی بشود بر بودجه تلفن سال آینده اضافه میشود.

ولیس - ماده واحده مطرح است. آقای مؤید احمدی **مؤید احمدی** - عرض کنم همه آقایان اطلاع دارند یک شرکتی در طهران تشکیل شد باسهم شرکت تلفن و یک سرمایه داشتند و سهامی فروخته و اشکالات تلفن کرده اند و اسهام خریداری کرده اند و آنچه بده اطلاع دارم اساننامه شرکت مطابق قانون تجارت تنظیم شده و به ثبت اسناد هم رسیده و ثبت شده است در دفتر ثبتی باسهم شرکت. روی

تکلیف معین کند باین که در دوش تصرف کند. مقصود از این لایحه این است که بدولت اجازه داده شود که از اسهام این شرکت بخرد. یک شرکت سهامی همه کسی می تواند - هاشم را ابتیاع کند اما دولت اگر بخواهد بخرد بایستی از مجلس اجازه بگیرد و اعتبار آرا تقاضا کند حالاهم این اجازه را قانونی کرده به مجلس آورده مجلس هم چون بد بودجه خرج منظور نبوده در لایحه که تقدیم کرده معین شده که از اسهام قرض کند و سهام را که دولت خرید می شود شریک و اگر اکثریت سهام را خرید مطابق تزیینی که در خود اساننامه است می تواند تغییر بدهد اساننامه یک چیز دائمی نیست و در هر صورت منظور از این که دولت چه عملی میکند نسبت به سهامی که میخرد منظور این است که نسبت با اسهام خودش یوازی می شود و صرف توسعه شرکت را صرف این کار میکند اشکال نماینده محترم این بود که اگر دولت فرماً بپاشد سهم خرید نسبت به پاشد سهم منافع و حتی که دارد عوایدش را صرف توسعه خود شرکت تلفن میکند (کازرونی - معذوره که نیست که قسمت خودش را خرج کند یک قدری اسهام بفرماید) عوایدی که حاصل می شود از خرید این اسهام تکلیفش را باید مجلس معین کند دولت این اسهام را که خریده ناچار عوایدش را باید جزو بودجه یاورود جزو عواید کل مملکتی یاورود تکلیفش را این جا معین کرده که حساب این مجزی است و باید صرف توسعه مؤسسات تلفن بشود و منظور هم این است که اگر چنانچه کسی فروخت هر کس فروخت دولت مجاز باشد که تمام اسهام را بخرد و باین ترتیب عمل کند.

ولیس - آقای دیبا **طباطبائی دیبا** - یک جمله از عرایض بنده را آقای مؤید احمدی فرمودند ولی جوابهای آقای دکتر حقیقتاً بنده را قانع نکرد. بنده اساساً راجع باین که دولت باید وسایل ارتباطات بین مردم را تمرکز بدهد و مرتب کند مخالفتی ندارم ولی حالا بنده یک توضیحاتی میخوانم از آقای وزیر پست و تلگراف که او کار آن توضیحات را بدهد ممکن است موافق شود اما اگر آن توضیحات را بلی از این لایحه به مجلس سپارد یعنی اولی آقای وزیر پست و تلگراف موافقت نمودند باین لایحه بودند اما اگر مقصود این است آن امتیاز قانونی که شرکت دارد دولت میخواهد آن امتیاز را بپذیرد بنده مخالفتم و اگر مطابق امتیاز رفتار خواهد کرد (ولور که دولت اکثریت تلفن باشد) بنده مخالفت ندارم میخوانم آقای وزیر پست و تلگراف توضیحی در این باب بدهند که اصلاحاً بعد از آنکه از تصویب مجلس گذشت و دولت این امتیاز را گرفت و سهام را خرید و لوازمیکه اکثریت هم داشته باشد مطابق اساننامه که به ثبت رسیده بنا دیگران رفتار خواهد کرد و حقوق اقلیت سهام محفوظ خواهد ماند.

وزیر پست و تلگراف - همان طوری که آقای دکتر طهارتی اینجا فرمودند اساننامه به ثبت رسیده و چورت بر طبق قانون است و این قانون منع و متبع است ولی اساننامه هر چه باشد چه مال شرکت تلفن چه سایر اساننامه ها هر کسی که می خواهد داخل این شرکت باشد باید تابع آن اساننامه باشد در این شئک و شبهه نیست. از آن طرف هم خود آقایان باید تصدیق بفرمایند که امروز دولت یک دیوار نمی تواند خرج کند مگر این که بموجب قانون موافقت وزارت مالیه را تحصیل کرده باشد و بعد بموجب لایحه مخصوص از مجلس شورای ملی هم تحصیل اجازه شود. تصدیق می فرمایند قبل از اینکه تحصیل اجازه شده باشد ما قانوناً مجاز نبوده و نیستیم که یک شاهی خرج کرده باشیم دولت در این جا میخواهد اجازه بگیرد یک

بایستی اگر مجلس شورای ملی اجازه داد از آن مبلغی که اجازه میدهید هر سال که آزاد است و آزادانه خرید و فروش می شود بنام مردم دولت هم از آن سهام پانزده مقرر را می خرد اگر موفق شد پانزده تایی مردم نام سهام را خریداری میکند زیرا بطوری که در مقدمه لایحه عرض کردیم نظر بمصالح مملکت و نظر باین که تمام وسایط ارتباطیه باید در دست دولت باشد اگر موفق شد تمام سهام را بخرد و اگر موفق نشد لست بماند پانزده سهمی که می خرد البته بر طبق اساسنامه رفتار خواهد کرد در اساسنامه اگر آقایان ملاحظه فرموده باشند نوشته اگر یک نام یا اکثریت تجاوز کرد. صاحبان سهامی که دارای اکثریت هستند آنها موفق خواهند بود که در این صورت امروز دولت تا کونون یکشاهی از این سهام را نخرد. بنده مثل آقا اطلاع پیدا کردم که بانگ ملی آتوئی که دولتیان نظر را گرفت و مشورل مطالعه این لایحه بود چون بانگ ملی این طور عرض کردیم یکدم گفت است در خارج از این سهام هم خریدی باشد و دانسته باشد از این سهام بنده شنیدم که یکم عدده متناهی خرید و هنوز اطلاع کامل ندادم و همان طوری که آقا اظهار فرمودند بنده هم شنیدم و اما در سایر قسمت ها همان طور که آقا فرمودند بدانجا آزادی در کار بود و آزادی خواهد بود در خرید و فروش. اگر مردم آزادی فروختند ما نخواهیم خرید. اگر فروختند ما نخواهیم خرید. چند نفر از نمایندگان - کافی است کافی است. چند نفر دیگر از نمایندگان - کافی است.

ولیس - آقای دستی.

دستی - چیز عجیبی است. (کازرونی - از عجیب هم عجیب تر) بنده تعجب میکنم این قدر کم پولگی برای چیست؟ بلک لایحه آمده است دفتر مخالف دارد می خواهد صحت کند زود همه می گویند کافی است (کازرونی - کی گفت؟) بالاخره آقا ما برای مذاکرات در اینجا آمده ایم اگر لازم شد ما دو روز سه روز باید صحبت کنیم. بنده اصلاً باین عمل دولت مخالفم امم از این که حقوق صاحبان سهام را مراعات

بکند یا نکند. بنده اصلاً باین کاری که دولت می خواهد بکند که سهام شرکت تلفن را بخرد مخالفم سایرین هم شاید مخالف باشند. بنده توپام رسیده است شاید بعد از هر دیگر که اجازه خواستند صحبت کنند نوبت بنده برسد. (صحیح است)

ولیس - آقایانکه مذاکرات را کافی میدانند تقاضا فرمایند (چند نفر قیام نمودند)

ولیس - معلوم میشود کافی نیست. آقای کازرونی - بنده منتظر بودم که مغیر عزیزم جواب آقای مؤید احمدی را بطوری که متع باشد بدهند شاید بنده قصدی نداشتم که اظهار عقیده و مخالفت بکنم لکن فرمایشات ایشان بنده را وادار کرد که عقیده خود را اظهار کنم. آقای مؤید احمدی اظهار کردند که اساسنامه شرکت به ثبت رسیده است و بنا براین ما این دولت را که اساسنامه اطلاع و متع است. وقتی که شصت قانونی آوردید و گذاشتید و اعتبار گرفتید برای خرید سهام بسیار خوب بعد از آنکه سهام خریدید هر اندازه که سهام بخردید جزو شرکا خواهد بود مثل سایر دارندگان سهام که فعلاً هست شصت سهام بطوری. اما در عین حال مجبورید که از آن اساسنامه امتنا بیکدیولی شاهد ضمن بماند و احدی مین و مقرر نشاندند: از جمله این است که اولاً در مدت هفت سال اصل سرمایه با منافض نباید شود و ثانیاً اضافه اش خرج توسعه بشود و ثالثاً اگر بازمی خواهد داشت جزو بودجه شود. اگر چنانچه همان طور که اظهار شد من که یک نفر شریکم راضی بنا بر تربیت باشم چکار باید بکنم. حق ندارم بنی بنا بر این دارندگان سهام را و ما را می دهمیم که مشتاق بکنی سلب شود و هیچ حقی ندانند باشند. اما اگر بطور سادگی دولت اجازه میگرفت هر اندازه که ممکن و میر شود از سهام خریداری کند (البته دولت برای معالجه ماده واحد را پیشنهاد کرده و قاضا کرده) شاید ما هم رای میدادیم لکن باین حال که تکلیف برای صاحبان سهام مین کرد و حق آنها را بنام من ضعیف کرد و این اساسنامه که به ثبت رسیده و قانوناً با پشتی ثابت

شود بکنی مابقی کند مخالفم و نمی دانم چه جور می شود و چطور با قریبان جاریه میکند.

ولیس - آقای ملک

ملک - مدعی - مخالفم

ولیس - آقای اعتبار

اعتبار - اشکالی را که این جا آقای مؤید نمودند و آقای کازرونی هم فرمودند بنظر بنده وارد نیست. و برای صاحبان سهام هیچ حقیقه و تخلفی در این قانون ندارد. اساسنامه همان طوری که فرمودند بجای خود صحیح و ثبت هم شده و وزارت پست و تلگراف با بانگ ملی که این اساسنامه او هم لیت با سهام خودشان مثل سایر شرکا باید از اساسنامه منابت کند و تابع مقررات همان اساسنامه است که آقا متذکر شدید. اما این که فرمودید اصل سرمایه را در هفت سال و نیم بریدارند و با سهام دیگران لطمه و صدمه می زند این هم نیست. در لایحه دولت مطلب گنگ بود و همین طور است که مقررماند ولی در کمیسیون بودجه مطلب را متذکره کردیم و مطلب روشن شد و نوشته شد که (منافع حاصله عمل تلفن وجه مزبور را اصلاً و فرعاً از منافع سهام خود بردارند) یعنی سهامی را که دولت خودش می بخرد از منافع خودش قرضی که دارد می بردارد این عییش کبیا است؟ (آفر - صحیح است) هیچ جاش عیب ندارد

کازرونی - منافع حاصله عمل تلفن نوشته (خود ندارد). اعتبار - آن لایحه دولت است خیر کمیسیون مطرح است. ملاحظه فرمایید خیر کمیسیون را. بنده می خواهم گوش بدهم و وزارت پست و تلگراف اجازه داده می شود که برای خرید سهام شرکت کل تلفن و مؤسسات تلفنی و لایات و تزئینات و توسعه تلفن کل تلفن مبلغ یک میلیون تومان توسط وزارت مالیه از بانگ ملی ایران استخرام نموده و در مدت هفت سال و نیم از منافع حاصله عمل تلفن وجه مزبور را اصلاً و فرعاً از منافع سهام خود بردارند. پس وقتی که (منافع سهام خود را) با اسم بردیم. مقصود منافی است که

دولت دارد (کازرونی - بقیاش را هم بخوانید) بقیاش را هم چند میخوانم بقیه عیالها عمل کرد تلفن نیز در مدت مزبور کلاً و بآ لانه سایر مشخص بخوانم اداره و تکمیل توسعه کار تلفن بوده و همه ساله بد بودجه مملکتی برای همین مقصود منظور خواهد شد و آنچه هم صرف جوی بشود بر بودجه تلفن سال آینده اضافه می شود. اساساً منظور این بوده است که بقیه عیالها که ما داریم نامی برای توسعه و تکمیل مؤسسات تلفن صرف کنیم البته این جا نمی شد بگویم که بنده با دولت که دارای اکثریت هستیم منافع خود را خرج توسعه و تکمیل بکنم ولی سایر شرکا بکنند (یکی از نمایندگان - برای چه نمی شود؟) نمی شود زیرا سایر شرکا هم همان اندازه از توسعه و تکمیل تلفن استفاده میکنند بالاخره تکنیکه که نیست. یعنی تلفن اداره تلفن است و یک شرکت. وقتی که بنده در اداره تلفن شریک شدم و اکثریت پان شد و من جزو هیئت مدیره شدم مطابق همان اساسنامه که آقا تلفن متذکر شدید وقتی که مرکز شد که باید اداره تلفن را دست بدهیم آن وقت می شود گفت که بنده در هر خود منافع خود را صرف بکنم ولی دیگری نکند؟ و هم آن یکی را بش

بدهیم؟

بوشهری - چرا تغییر اساسنامه میدهید

اعتبار - اجازه بدهید آقا. وقتی که وان هم خود صرف توسعه و تکمیل مؤسسات تلفن کرد بانگ ملی سببی می استفاده می برد. اما اینکه آقایان بفرمایند در بودجه مملکتی چرا منظور می شود بالاخره آقا بانگ ملی بخواهد که در آنجا منظور شود. با نکند در جزو بودجه مملکتی صرف فلان مخارج بشود. ما برای همین مقصود نوشتم که در بودجه باید این منافع حفظ شود و نگاه داشته شود که برای کار معینی که توسعه باشد مخارج شود و از سایر مخارج جوشی دبازی خرج شود فقط همین محل برای این منظور صرف شود و در بودجه این مبلغ حفظ خواهد شد که سهل دیگری نداشته باشد و این بنظر بنده هیچ اشکالی ندارد

ولیس - آقای ملک مدعی

ملک مدلی - عرض کنم موافقی که این لایحه در فراسیون مطرح شد بنده نبودم. بنظر بنده توضیح رسیده که باید برطرف می‌گردد. برسانم. اولاً آقای وزیر پست و تلگراف توضیح بدهند که چه علتی ایجاد کرده است که دولت مبادرت باین اقدام ننماید. زیرا یک صاحبان سهامی بوده‌اند و یک مؤسسه آزادی در دست اشخاص بوده و تأسیس تلگرم کرده‌اند و همیشه هم مرام دولت این بوده است که اشخاص باینند سرمایه خودشان برای یک کارهای عام‌المنفعه بکار نیندازند حالا یک اشخاصی مثلاً آه‌مندان و امثالی می‌خواهند و یک شرکت تلگرم تأسیس کرده‌اند و بنظر بنده هم اقدامات برای تلگرم خیلی خوب بوده شکایتی در این مدت از آنها ندمه و حالا اگر البته دولت یک نظریت اساسی برای خریدن سهام تلگرم داشته باشد آن را آقای وزیر پست و تلگراف اینجا توضیح بدهند که هم مجلس وهم افکار عامه برین بشود که نامناسبه منوجه بشوند باینکه منافی برای دولت و ملت در برآورد و ثاباً در این قسمت اخیر که آقای کازرونی اشاره کردند و آقای اعتبار اجملای توضیح دادند بنظر بنده توضیح خیلی کافی بود اینجا قید شد دولت همیشه سهام شرکت را خرید مجاز است عایدات حاصله از آن را خرج توسعه تلگرم و مؤسسات تلگرم بکنند بنده عرض میکنم دولت آمد از صد سهام که قابل شرم بخواب سهام با پنجاه و پنج سهم یا بیست سهم خرید دولت توسعه بدهد خطوط تلگرم را صاحبان سهامی که یکی پس‌هم دوسم هم دارند این‌ها نخواهند بود با این نظر موافقت کند ما بیایم اینجا آنها را ملزم کنیم که محرز باشد. صاحبان سهام می‌خواهند زدن‌های بکنند از ترقی بکنند طبق این قانون اگر این لایحه بگذرد آن دیگر بنده نمی‌تواند از منافع سالانه شرکت استفاده کند و این بنظر بنده مورد ندارد که ما بیخیزیم یک کسی که یک سرمایه دارد او را از منافع آن محروم کنیم شاید اساساً یک تر آنچه که داشته برای خوردن یک سهم با پنج سهم تلگرم اشخاص داده و همه ساله می‌خواهند از منافع عایدات آن زندگی کند این برخلاف همه چیز

وزیر پست و تلگراف - آت عك كه آن-آوال

میرمایند در مقدمه لایحه که به مجلس تقدیم کرده‌اند ذکر شده است بنده هم در اینجا بگذردی توضیح میدهم هم برای آقای و هم برای سایر آقایان نماینده کسب محترم دیگری این احتمال می‌رود نظر موافقی نداشته باشند شاید قانع شوند. اینجا نوشته است نظر باینکه تمرکز بوسیله سایر مجامعاتی ممالک منظور نظر دولت بوده و تاکنون این موضوع از حیث پست و تلگراف بیسم تأمین گردیده‌است برای اینکه این منظور تأمین شده باشد لازم بود قسمت تلگرم نیز با تلگراف و پست تماماً و تحت اصول واحد اداره شود. این اصل آن نظری است که دولت و کار مازم کرده که این لایحه را به مجلس بیاورد و یکی یک قضیه وضع دولتهای سابق این بوده است که علاوه بر اینکه اهمیت بارزناط نمایندند محتاج هم بودند برای این که آقایان باید اشخاص تصدیق بفرمایند در دست دولتهای سابق اغراب سرحدات مملکت نبود پنی دولتهای سابق قادر نبودند که در اغراب چایها قراردادهای که پست بودند اجراء بکنند وقتی که اجراء شد برای اجرای آنها

لازم است که تمام وسایلی در دست دولت باشد و مهم‌ترین وسیله که باید در دست دولت باشد وسیله ارتباط است. سابقه از تلگراف و تلگرم و سایر چیزها باید متحصراً در دست دولت باشد (نمایندگان) - صحیح است بنده اگر اتفاقی که در دفتر این چند سال بوسیله نتایج ارتباطات پیدا شده است عرض کنم آقایان بدون اینکه فرمایند بکنند نظر دولت را تصدیق خواهند کرد. نظر دولت این است مصافحتی که عرض کردم تمام وسایلی باید در دست خودشان باشد چرا برای اینکه مثلاً الا ان یک اعزام قشوی می‌شود برای یک طرف آتوقت باید وسایلی را تحت اختیار قشون بگذارند اگر در دست یک شرکتی باشد آیا ممکن است ماسحق داریم که در دکار آنها مداخله کنیم؟ قانون بنا اجازه نمیده این است که در پنی اوقات که ما کاری داشته‌یم بنده رسماً اجازه ندارم اطلاع میدادم که در فلان موقع قشون محتاج است باینکه شما در اختیار آنها بگذارید و چون قانون بنا این اختیار در نداد و بیخوف اختیار نداشتیم که مستقیماً استفاده کنیم این بود که دولت خواست این فکر خودش را بر سر مجلس رسانده باشد و استجاز نماید اگر هم بمیرماید ملاحظم این این بود که خدای نکرده یک مؤسسه از پنی برود گمان بکنیم تصدیق بفرمایند که دولت اولاً هیچ این فکر را نداشته و ثاباً هم لازم نبود که این موضوع به مجلس باید از این جهت آمییم به مجلس و خواستیم خاطر آقایان بیوقوف باشد و بفرهاند. و موافقت کردند و اجازه دادند ما هم خواهیم خرید و البته اگر موفقیت پیدا کردیم که اکثریت در بخریم البته مطابق اساسنامه که به ثبت رسیده در دفتر قانونی دولت رفتار خواهیم کرد. تا امروز شرکت تلگرم چنانچه می‌گردد مثلاً در اساسنامه پنج تومان عایدی دارد آن پنج تومان بنده سوال میکنم از آقایان؟ پست سال است شرکت تلگرم نثار است نسبت ببارهاب سهام چنوبه امتحان بکنند همان دولت را الا آن اخذ خواهد کرد اگر کسی یک سهم داشت در مقابل شرکت چه بگذرد. پنی می‌گفت مثلاً در اساسنامه پنج تومان عایدی دارد آن پنج تومان را باو بدهند آتوقت است باینکه چه بکنند؟ که در این شرکت در هیچ شرکتی همچو چیزی عملی نمی‌شود

اینجا هم مینظر است ملاحظه بفرمایند ما اگر خریدیم این بانک ما که است اگر مجلس اجازه داد اگر ما خریدیم و اکثریت پیدا کردیم موافق آن اساسنامه حقوقاً اکثریت و حقوق کلیه ارباب سهام ملحوظ خواهد شد ما اگر خریدیم البته باید قانونی باشد بر قانونی که نمی‌خواهیم آه‌مندان از مجلس اجازه بگیریم آن وقت بخریم. و آن قسمتی هم که آقا فرمودید در آن قسمت که آقای اعتبار توضیح دادند گفتند ما اجازه می‌خواهیم که منافع حاصله از سهام خودمان را صرف کنیم و بنده فرمایش حضرت عالی را تصدیق می‌کنم وقتی که این لایحه مورد تصدیق واقع شد ممکن است اینها اصلاح شود این یک کاری است ما مدعی بدخله خود شرکت بترتی که در اساسنامه مداخله است.

رئیس - آقای دشنی

دشنی - عرض میکنم که ما بمحل در موضوع خود

تلگرم اصلاً صحبت نشده یک اشاره فقط آقای دکتر طاهری کردند آنها چون کلاماً بسوق بودند فقط اشاره کردند بنده می‌خواستم از دولت پرسیم که علت این کار چیست دولت برای چه اقدام کرده است که تمام تلگرم را بخرند و خودش را شریک بدو اول بکنند. مرتب دیگر هم این صحبت‌ها را ما در فراسیون کردیم و آقای وزیر پست و تلگراف این جوابهای دادند ولی آن جوابها مقیم نبود و گفتیم این کار با دولت با نظر سیاست می‌گردد یا از نظر انتفاع پنی برآشفت منتف اگر از نظر انتفاع می‌خواهد بکند بکلی غلط است و امروز هم بنده یک نکته متذکر شدم که حالا باز عرض میکنم اساساً این مسئله در تمام دنیا محرز شده است و تقریباً اغلب علمای اجتماع با این عقیده هستند بناید در کارهای اتعاقی مداخله کند (نمایندگان) - صحیح است (اصلاً) فلسفه وجود دولت فقط برای حفظ ایستقامت است و برای حفظ سیاست مملکت و برای این است که مردم بهتر بتوانند کار کنند بهتر تجارت کنند بهتر بتوانند ذرات کنند و دولت نا آن اندازه که اقداماتش برای حفظ منافع مردم است صحیح است و اگر خودش بخواهد مداخله کند پنی تجارت کند بکلی اسباب زحمت

مردم و خودشان خواهد شد پنی فلسفه وجود دولت
 عبادت از این است که حافظ حیثیات مردم است اما اگر
 خودش بیخود تجارت کند نمی تواند و این یک مسئله
 است که کاملاً محرز است و در تمام ممالک راقیه
 انتحانات شده و بالاخره این مسئله مسلم و بدیهی گفته
 اما تازه دولت ما آمده است و بدعا میگردد در اینکارها
 عرض کنم که مثلاً یکی از ملائین عمده در این مملکت
 دولت ما را اگر چینه ملاک شدن دولت را در نظر
 بگیریم و دقت کنیم یکی از مهمان ترین ملاکها دولت
 است مثلاً بد یکجائی مثلاً کرچ که آب دارد زمین دارد
 بزم و ماشین و عمله میدهد باز ناقص است اگر اینطور
 باشد تازه فایده ندارد. یکی از ملائین مهم ما دولت
 است حالا از آن قسمت ملائین گفته میشود وارد
 شرکت بشود این بکلی غلط است و مخصوصاً در پنا
 ممالکی که سالها پیش قرون متعاضد در زیر فشار
 استبداد و حکومت ممالک بوده است و بالاخره طایفه
 بورژوازی وطنیه متوسطه و طبقه سرمایه دار با یورو کامل
 نبوی نکرده است امروز وظیفه دولت این است که
 حتی الامکان شرکتها و تجارتخانه را تشویق کند تا
 حمایت حقوق آنها با حمایت حدود آنها آنها را تشویق
 بکند و بگذارد مردم داخل اینکارها بشوند ما امروز
 در تمام این مملکت از شخص اعلیحضرت گرفته تا تمام
 مردم فکر اقتصادیات هستیم و بالاخره اقتصادیات که
 بخودی خود درست نمی شود یکی از اصول اصلاح
 اقتصادیات در دجه اول این است که شرکت را تشویق
 و تشویج کند و حوالی این است حتی الامکان با
 امتیازاتی که داده اند کاملاً باید حفظ کنند مثلاً در این
 قسمت تلفن بنده اطلاع دارم مکرر خواستند چند رشته
 اینها زیاد کنند بواسطه عدم مساعدت دولت توانستند
 پس از اجازت خارجی خواستند چشان ندادند خواستند
 در مقابل وارد کردن سیم قالی خارج بکنند گفته اند که
 قالی جزو اجناس درجه اولی است و در داخلش نمی شود
 سیم وارد کرد و از این عنوانت بیانی آوردند و
 نگذاشتند که اینها سهولت کنند و علت اینکه امروز در
 طهران دو حکومت جسد تر تلفن میخواهند گران نیاید

فقط بواسطه همین مسئله است. یکی از وظایف دولت
 مساعدت کردن با این شرکتها است که آنها بهتر
 بتوانند وظایفشان را انجام بدهند. در ممالکی که خیلی
 زرفی کرده اند و امروزه در سراسر مستند در آنجاها اغلب
 کارهای مهم در دست شرکتها است. و این که آقای وزیر
 پست و تلگراف فرمودند در سایر جاهای ارتباطات در
 دست دولت است اینطور نیست در آنزونی که یکی از
 ممالک راقیه دنیا است پست و تلگراف در دست مردم
 است و هیچ مربوط بدون پست هر وقت دولت احتیاجی
 پیدا کرد می گوید. ملاحظه فرمایید ملا را و آه آن
 را و آه آن پاکه یون و اینها مال شرکتها است ممالک متخاص
 است و لکن اگر یک وقت احتیاجات سوق العیشی
 دولت را مجبور کرد که بکمال عده و بلا جانی بفرستد آن
 شرکت آتوفت مواقت بکنند و هیچ شرکتهای هم حق
 حرف زدن ندارد پس اگر ما اینطور هستیم بگوئیم
 دولت باید تمام ارتباطات مملکت را در دست بگیرد تمام
 شود و در دست بگیرد البته ارتباطات دولت
 اهمیت دارد ارتباطات دولت زیاد شده تلگرافخانه
 زیاد شده راه مبادی الامتاز زیاد شده و اینها اساس
 وضویت اقتصادی مملکت است ولی اینها دلیل بر این
 نیست که سهام شرکت تلفن را دولت بخرد. عرض کنم
 که اگر از نقطه نظر امتناع میخواهند این کار را بکنند
 بقیه بنده بهتر است که دولت سیصد یک میلیون دو
 میلیون خرج بکند برود سه اهواز را بزند (وزیر
 پست و تلگراف - بنده است) مثلاً این کارهای مهم
 با دولت بکند این کارهای جزئی را ولی کند. اگر همین
 مسئله آبیاری این مملکت را بد نظر بگیریم برای این
 منبع زندگی مملکت ما زراعت است شیعه ندارد
 ما تمام احتیاجاتمان از زراعت پرورده می شود دولت
 اگر یک پروگرام چهار-سه ساله برای آبیاری این
 مملکت درست بکند باید سرمایه یازده میلیون پست
 میبوی شود که پستداری دردمت بچینای
 عایدات دولت هم عایدات مملکت سعیر بر خواهد شد.
 شما چرا شرکت تلفن را بخردی امتناع بپدید برود
 آبیاری کند اگر برای امتناع باشد بنده بکلی متخاصم

اگر از برای سیاست است این را برای آقای وزیر پست
 و تلگراف برون بیاست تریون و برای ما شرح بدهند
 که شرکت تلفن برخلاف سیاست عمل کرده اند یعنی
 وجود شرکت تلفن باعث این شده که خیانت بشود
 کرده باشد خیانت سیاست مملکت کرده است آنوقت
 ما برای بدهیم که باید آنرا منحل کرد اگر خیانت
 کرده باشد و لکن اگر شرکت تلفن این مملکت پیشتر
 خدمت کرده پشتون آلتوری که بنده اطلاع هم دارم
 همیشه اینها خدمت کرده اند پنی هر جا که احتیاجات
 قنوی بوده و قنون احتیاج داشته بظنن فوراً در
 در مسترس آنها کمک داشتند و اگر انگلند بوده است
 که این دلیل نیست که ما بگوئیم باید ارتباطات ما در
 دست دولت باشد. یکی از بهانه های وزارت پست و
 تلگراف که در اینجا پست تریون نگفته این بود که
 اگر شرکت تلفن باشد عایدی تلگراف هم می شود این
 حقیقتاً یک دلیل دولت پسندی است اما دلیل مجلس
 پسندی نیست ذل اینکه جنسی آمویون خرید مردم و
 وارد می کنند که زیاد بکنند برای اینکه عایدات دولت
 زیاد بشود (خنده نمایندگان) از قنله نظر سیاست
 اقتصادیات بنده بپیچوجه دلیلی نمی بینم (یعنی من نمی بینم
 شاید باشد) ولی بر حسب ظاهر آنچه که ما می بینیم
 و اطلاعاتی که ما داریم از قنله نظر سیاست بپیچوجه
 ایجاد نمی کرده است که دولت حتماً شرکت تلفن را
 منحل کند. یکی دیگر مثلاً تا خبری افتد است می روند
 برای سرمایه ملی را می چسبند. هشتصد هزار تومان به بانک
 ملی سرای دادند فوراً یک حواله بپانصد هزار تومان
 یک حواله دویست هزار تومانی و بالاخره حواله که
 یکجائی سوهمی آمده است اجناس خریدند برای
 راه آهن این حواله ها به بانک ملی تپساجش این شده
 که بانک ملی اعتبارات اغلب تجار را قطع کرده است
 برای اینکه میخواهد پول بآنها بدهد نمی تواند مردم را
 در زحمت انداخته اند کاری که کرده است عرض کنم
 که اینجا آقای وزیر احمدی و آقای دیا صحبت کردند
 که بدون اجازت مجلس دولت حق نداشتند است سهامی

بخرد جواب دادند دولت بخرد ما میدانیم بخرد است
 اختصاصی را سراغ داریم که با آنها معامله کرده است
 (روسی - بانک ملی حق داشته مؤسسه تجارتی
 و آزاد است) به اینجا هم می رسیم. این چیز عجیبی است
 عرض کنم که بانک ملی بدون تالی کرده است این
 یک مسئله مهمی است بانک ملی بدون تالی کرده
 است دولت گفته من این لایحه را تهیه میکنم تو هم
 شروع کن به سهام خریدن بانک ملی بدون تالی کرده
 است و الا عات ندارد که بانک ملی برود کار خودش
 را بگذارد سهام تلفن را بخرد. سهام تلفن منتهت ندارد
 مگر بانک ملی احق است - سهام تلفن بقیه همانند
 ندارد که بانک بیرون سهام - سهام ا و بخرد ا و این را
 هم تقریباً اجازه مجلس باید گفت. یک نکته دیگر این
 جا بود که آقایان تذکر دادند و تاکید جواب موقعی
 داده بودند است و آن راجع به حفظ حقوق اقلیت است
 و آقای اختیار جواب دادند که اقلیت تابع اکثریت
 می شود گفتند هم بطور که الا آن صاحب یک سهم (خود
 آقای وزیر پست و تلگراف فرمایند ایشان کردند) صاحب
 یک سهمی این پنج تومانی که داده و بگوید فلاخند
 منتهت من بده این خردت خرچه بخواهی یکی
 یکی این صحیح است ولی آخر نفس هم غلط است که
 یک بگویم آقا این پول مال تو است ولی تو حق نداری
 یک پول از این برداری این دهمزار تومان تمام مال
 شما است ولی هر چه که منتهت شد دهمزار تومان که
 منتهت شد این دهمزار تومان را هم صرف توسعه خود
 مؤسسه میکنم این مؤسسه هم که مال شماست این خیلی
 ناهارش خنک و زنده است مثل اینکه یک کسی بین
 بگوید شما پنج میلیون ایره دارید دزدانک ولی هیچ گیر
 نمی آید هر سال یک میلیون ایره بان اشاء می شود مال
 تو میباید تو در آخر عمرت وقتی بخواهی ببری
 عوض ده میلیون ایره صد میلیون ایره میبوی
 هم واقف آنز می شود که ده میلیون ایره صد میلیون
 می شود ولی یک پولش را پیش ندهد برای این که
 مطابق این قانون که نوشته است منافعی کلاً و الاخصاص

باید صرف نوسه و تکمیل تلقن بشود ولی تا چهار سال پنجمال تاروز قیامت باشد مردم چکدر دارند. بنده آقا این لایحه که پیشنهاد کرده‌اند مخالفم چکار دادم جمله غلط دارد بنده با اصل لایحه مخالفم این باید تاروز قیامت آنجا باشد و ابراً استناده ندانست باشد بالاخره تمام کارهایی که مردم میکنند و تمام شرکها و تجارتهائی که مردم میکنند برای بهره برداری است. وانگهی ما چه حق داریم قانون بگذرانیم که آن تاروزی که در شرکت تلقن داری ولی حق نداری از پشت استاده کنی. اگر شرکت تلقن است تا هشتاد و نهم این رأی را بدهد که تا پنجاه سال پست سال این پول را صرفه این مؤسسه بکند این البته در آنجا اقلیت تابع اکثریت می‌شود ولی ما حق نداریم قانون بگذرانیم که تمام عایدی که پیدا می‌شود صرف نوسه مؤسست تلقن بشود این چیز عجیبی است ما بطور می‌توانیم مداخله در حق مالکیت دیگران بکنیم این در وقتی صحیح بود که دولت اکثریت سهام را داشته باشد آنوقت که تشکیل می‌شود آن اکثریت تصدیب بکند که تا پنجمال کلیه عواید حاصله از آن شرکت صرفه مؤسست تلقن بشود اما ما نمی‌توانیم قانون وضع کنیم قانون بگذرانیم که آقای خواجوی که آنجا پنجاه هزار تومان سهام دارد این دو هزار مائلفن همچو باشد نادر سال همچو باشد ما چه حق داریم این قانون را وضع کنیم. عرایض بنده گمان میکنم تمام شد بنده این ابرادها را دانستم و ایدوارم آقای وزیر پست و تلگراف قدرشان نرمالیه بازی زنده بماند جوانی بدهد و واقفاً بنده با کمال عقیده و کمال ارادتی که ایشان دارم باین لایحه مخالفم و اغلب رفتاری پارلمانی بندهم مخالفند و هیچ وجه غرض خصوصی در این باب ندارم و هیچ نشانه نثری ندارم فقط میخواهم کدبان یک چیز صحیحی و یک چیز مفروضی باشد و یک چیزی که با وجدان پاک نتوانیم رأی بدهیم نه با وجدان نازلتر.

ولیس - آقای نمویی
 قلمبسی - بنده با یک قسمت از فرمایشات آقای

مؤسسه هر دو یک دجه محل احتیاج باشد تا اگر در دست پوت باشد البته بهتر است این مؤسست را اگر چه صورت ظاهر انحصار نمی‌کند ولی این همیشه منحصر هستد پس دو دستگاه تلگراف در یک مملکت هیچوقت راه نمی‌آید مثل راه آهن فرضاً یک خط آهن از خوزستان تا طهران داتر شود دیگر هیچوقت دو خط آهن نمی‌شود گویانکه در استازش هم قید انحصار نکنند ولی چیزی است که علاوه انحصار است یک شرکت تلقن و توشیبه کار افتاد عملاً منحصر است و نباید یک شرکت دیگری نباید در مقابل او رقابت کند همینطور تلگراف اگر تلگراف بخواهد پیش برود کار تلقن زمین بماند و شرکت زمین بجزود آنوقت باید از بین برود و مختل شود پس تلقن و تلگراف هر دو را اینکه در سال بیایم هم ضرر بکنند برای احتیاجات امروزه باید حتماً دار باشد اما اشکالاتی که گفته برای ورود اسباب و لوازم دیگر شده است این یک موضوعی است که انحصار به تلقن ندانند و ضعیفات تجاری امروزه وضع قانون انحصار پاک مقرراتی را برای معاملات با خارجه وضع کرده است که باید رعایت شود و منحصر بتلقن نیست در کلیه خرید و فروش و تجارت همین اشکالات از لحاظ خرید اسرار و اموال در کار هست یک چیزی بودی است که مخصوصاً تصور شود خواننده پاک است و هیولی و حجتی برای شرکت تلقن فراهم کنند این یک چیز عمومی است و سرمایه هم که مالک داده شده است سرمایه پاک بطوری که در قانون گذشته است سه میلیون است و بانک هم یک وجوه دیگری در اختیار خودش دارد که مملد هم با مردم بگیرد غیر از آن متعهدمرا تومانی که عرض کردم اگر امروز داخل دشر کنهائی بشود و کارهای تجاری بکند اهمیت ندارد بانک برای همین است که هر عملی را که مفید بداند و بداند که صرفه دارد آن کار را بکند و حالا هم آمده است این اسرار را خریده است و چون بدلالی که عرض کردم دولت می‌بایستی مداخله کند در اینکه برای اینکه از صورت فعلی تغییر بدهد بصورت دیگری که بیشتر احتیاجات مردم را تأمین کند دولت در نظر گرفته که آن سهام را خریداری کند و مؤسست پست و تلگراف و

ولیس - آقای عراقی موافقت؟
 عراقی - مخالفم
 ولیس - بفرمائید
 عراقی - تصور میکنم در این دوره هشتاد و یک نفر ارادتی

تقریباً پن مجلس و دولت بود در لوابج و آن این بود که ارباب کلان از اینکه مجلس باید در فراکسیون در اطراف مذاکره می شد و رأی گرفته می شد در اطراف او بعد می آمد بمجلس این لایحه کوپا از بدبختیست توانست بفراکسیون باید در اطراف هم صحبت شده رأی هم گرفته ندهد این است که بکندری صحبت می شود بده میخواست قبل از اینکه وارد مذاکره شوم تلقانکم از آقای وزیر پست و تلگراف که امروز مطرح نکند و مابک قدری در اطراف در فراکسیون مذاکره کنیم خوب مطرح شد ولی نوبت صحافی که خود آقای وزیر پست و تلگراف و در اطراف این قضیه و لزوم این که بخردند بماند باماده شان تقریباً مخالف است حالا نوبتجانان که چرا میخواستند بخرند و اینکه صحبت فرمودند که شرکات آزاد است هر کس می خواهد می فروشد هر کس نمیخواهد نمی فروشد یا آن توشیحی که دادند تا مانات دارد میبورد می شوند بخرند از شان خریداری تلقن برای این است که مطابق فرمایشات آقای وزیر پست و تلگراف که خط ارتباط کلن تا بد دست دولت باشد و این اساسنامه هم شرکت تلقن دارد این اساسنامه هم البته یک فروعی دارد بدبطوریکه آقای دشتی هم صحبت کردند یک اکثریتی دارد و یک تریاتی شده شد داده می نویسد که نسبت بمنافع سهام خودمان تا هفت سال بردارند از اینها استخلاص یابد می نویسد بقیه عایدان بعد کرد تلقن نیز دودعت متبوی کلان و با لایحه در بعضی مختار مجرای اداره و تکمیل نوسه کار تلقن می شود ما چهار ربع تقریباً هر فرض بفرمایید سهام دارم اینجا شما دارید در قانونی که از مجلس میخواهد بگذراید وظیفه برای اشخاصی که سهام دارند مین می کید این مربوط بمانست که وظیفه آنها را معلوم کنیم وظیفه آنها را باید خود شرکت مین کند اکثریت و اقلیتی اگر هست ددخود شرکت مین وظیفه آنها را باید مین کند نایبکه ما مین کنیم یکی دیگر آقای میفرمایند ما بطور آزادی بخریم و البته هر کس نخواهد می فروشد و هر کس نخواهد نمی فروشد ما هم بطور

فیبی می فرمایند که من همجو تصور میکنم که رقابت دارد تلقن بانگراف خوب آقا هرچه کاسی باشد یا همدیگر رقابت دارد پس دولت بگوید من آقا ملک دارم بچسبکس باید کم فروشد برای اینکه بمنزله ثابت میکند این منی ندارد البته تلقن یا تلگراف رقابت دارد چون رقابت دارد باید از دست صاحبان گرفت این را بدهد نمی توانم بپورکم و تصور میکنم دولت هم این مقصود را ندارد و خواستم عرض کنم که این حرفتان را یک قدری دولت هم راضی نیست.

فریر مایله - بنده بدبختانه لوابج دیگری داشتم و انتظارش را میکنم که این لایحه تمام شود و یکی دو لایحه از آنها بگذرد و صحبت بطول انجامید آن اندازه که بدهم و بشنیدم تصور میکنم یک قدری سوء تفاهم و اشتباه در اصل این لایحه شده است متصل صحبت می شود که دولت میخواهد شرکت را منحل بکند یا منافع سهام دیگر را بردارد و بقرض خودش بدهد یا نوسه تلگراف داخل دارد منظور این نیست بعضی آقایان می توانند بفرمایند که عبارت خوب نوشته شده این را تصدیق دارم خود بدهم اما اتفاقاً در کسبیرین بودجه بوم (کار دیگری داشتیم (آنجا) که مذاکره می شد بنده گفتم عبارت خوب نیست و نباید این طور باشد حالا مطلب دویات اگر عبارت خوب نیست اصلاح صحیح یا بعضی از آقایان که نظر دارند عبارت اصلاح بفرمایند و ما قبول میکنیم حالا بدهد ب مطلب را در دوگله عرض میکنم آقایان اگر موافقت تصدیق بفرمایند موافق بنسبت مطالب دیگری است یکی این است که دولت شریک شود بآلتور و لوهارز تومان بخواهد شریک شود یعنی از آقایان یا بجزئی ممکن است همین را حرف داشته باشند بفرمایند اصلاً چرا شریک شدن آن معلی است اما وقتی شریک شود گاهی تعادروقی شریک شود باید بزرگ بدهد وقتی بزرگ میدهد بپایانورد از مجلس اجازه بگیرد آن بولی که خودش میدهد یک منافی نفاق میگوید و برای منحل آن منافع هم باید از مجلس اجازه بگیرد بگوید منافع دیگران خیر او نه بسا

مربوط است نه از شما اجازه میخواهم که می توانم از شما اجازه بگیرم و نه می توانم مصرف کنم ، حق دارم منافع دیگران را در خودشان اما هم مثل شریکی آنچه می شوم حالا بگویند چرا شریک می شوم می گویند خوب است که دولت دخالت داشته باشد دخالت که ندارد آیا خوب است که دولت نظارت داشته باشد بلی خوب است و تا حالا هم خیلی خوب بوده و بعضی چیزها هم خوب بوده (زبان - صحیح است) دولت وقتی آنچه دست داشته باشد شریک باشد او هم می بیند یک گوشه مثل سایر شرکاء نظری خواهد داشت این تریاتی که بقیده دولت درست بوده است وقتی که چراغ برقان نمی خورد دولت را چیز بکند خود مملکت سابقاً امتیاز داده است ولی حالا می گویند که چرا چراغ درخشان نمی خورد در این جا گاهی ایراد می شود وقتی میان شهرها از اینجا تا آنجا تلفن بکند و قیمت ارزانی می خواهد شد و صداهم وقتی نمی رسد خوب تلگراف هم مال مجلس است اما دولت است که آهم یک چیزی است که باهمدیگر نباید رقابت کند خوب دولت میخواهد یک قسمت در آنچه شرکت بکند شرکت و البته منحل نمی خواهد بکند یا چه حد دولت منحل کند برای چه منحل کند اگر عرض بدوند که تاجر دیگری باید داخل این شرکت بشود و سهم هم زیادتر داشته باشد آیا او می تواند شرکت را منحل کند یا منشی انحلال شرکت است آنها هم باید بدست در سهم خودشان و بهتر هم منفعت می برد دولت هم وقتی دخالت میکند دولت دول شخصی نیست که با آنها بماند مایش را دم بکنیم قروض را دم بکنیم بفرماید بهتر است دولت پولش مال مملکت است و دولت البته پیشتر مراقبت خواهد داشت که در دست کار کند و قایده خوب برسد و صاحبان سهام فایده بیشتر ببرند اما این که یک چیزی اشاره شد این جا که دولت پولش را با یک ملی چراگر کرده اند و چنانچه در اینها بدهد در ضمن صحبت خواستم جواب او را هم عرض کرده باشم بانک ملی بیوسسات تجاری یا تأسیسات علمالمنطقه که میگویند از پرلهای که در دسترس داشته

باشد کمک بکند باین هم کمک میکند چنانکه بنیاد کمک میکند بسایر چیزها هم کمک میکند و این هیچ وقت باعث مدمه نامور نیجار نمی شود یکی از آقایان ذکر کردند که بواسطه یک پولی تهمینی دادند این مثنی برایشان بود برای اینکه بانک ملی از پولی که در دستش هست برای سودنیا ندهد از همین اعتباری که شما برای مخرای راه آهن اینجا تصویب کردید و در دست وزارت طرق است و خرج می کند از آن پول برای خرید از سوئیس عوض اینکه با دلار و پوره بخریم پانومان بخریم یک مبالغی اختصاص دادیم که بکفایت در بانک ملی و هر وقت لازم بود تومان بگیرد و مال التجاره را آن خارج کند و عوضش بما دلار بدهد و مبالغ راه آهن از پولهای بانک ملی نیست مثلا یکی می آید اینجا می گوید خوب نیست اصلا' دولت شریک شود این یک مبالغه است دولت تصور کرده است که شراکتش این جا مفید است و باعث انتظام کار می شود و باعث پیشرفت منف کردن سایر سهام می شود و دولت بعد از آنکه سهام را خرید خودش شریک می شود برای چه منحل کند شرکت یک اسنامه دارد چنانچه آقایان فرمودند که ثبت نم رسیده است و بطریق آن عمل میکند یک وقتی بعد از یکسال همین اسنامه را خواستند تغییر بدهند خوب الا آن هم شرکا حایله می تواند با اکثریت دو کت یا پلان تریبی که خودشان منظور کرده اند درش تهرایی بدهند اصلاحاتی بکنند و البته آن پولی که دولت بیا اجازه مجلس از وجوه عمومی قرض میکند و سهم میخرد از منافع آن سهام از عایدات آن سهام منافع سهام دیگر باید اول قرضش را بدهد اصلا' و فرعا' بعد بقیه منافع سهام خودش را صرف توسعه و تکمیل اداره تلفن کند وقتی که سهام دیگر را میخواهند صرف کند صاحبان سهام دیگر جمع می شوند برای بدهند یک شریک تنها که نتوانند توسعه و اكمال رای بدهد هیئت مدیره این کار را خواهد کرد اصلا' شاید بپایه بدهد بگفتند هم لزوم نداشت اما چون منافعی را یک چیزی بد میخواهند در آنجا اجازه مجلس را لازم دانسته حالا

روح مطالب باین توضیحات همین است که عرض شد حالا اگر عین این مطالب را آقایان تصدیق دارند عبادت را هر طور که بظنشان روشنتر است آقای وزیر پست و تلگراف هم قشریف دارند قبول خواهند فرمود دولت قبول خواهد کرد آقای منیر هم قبول خواهند کرد و لایحه تمام می شود و بکارت های دیگرمان هم می رسد اما اگر اصلا' قبول ندادند و تصویب نینکند مطالب دیگری است.

جمعی از نمایندگان - کافی است مذاکرات.

طباطبائی دینا - کافی نیست

رئیس - در کفایت مذاکرات فرمایشی دارید بفرمایید

طباطبائی دینا - بنده راجع بشرکت تلفن تبریز یک توضیحی می خواستم بعد از آن هم مواظف با کفایت مذاکرات. اینجا لایحه هم نوشته می شود شرکت تلفنی در تبریز بوده است که مربوط بشرکت کل تلفن نیست خواستم آقای وزیر پست و تلگراف توضیح بدهند که این شرکت حالا وضعیتش چه چیز است بنابراین باقی است دولت خیال دارد سهام آرام خریداری کند یا نه

وزیر پست و تلگراف - عرض کنم این شرکت تلفن تقریباً عجاتاً سه قسمت شده است یک قسمتش همین است که سهامش در طهران است یک قسمت فروخته شده است بیکار از نیجار ایرانی یک قسمت هم گروا فروخته شده است و مرضیه آنها همانطور در قسمت خودشان باقی هستند و اگر بییل خودشان فروخته بشینطور که دولت در نظر دارد خواهد خرید اگر فروخته دولت هم اجبار نینکند با یک مسله هم آقای وزیر مایه در ضمن یا لکنان فراموش فرمودند جواب بفرمایند آن مسله اجاره نامه های و شهرها و طهران است البته آنها تابع همین مقررات خواهد بود مسلم است همیشه فعل اجاره پراضایت طرفین است و در اینجا هم همین اسل کلاماً مراعات خواهد شد.

رئیس - مذاکرات کافی است؛ (گفته شد - کافی است) پیشنهادی از آقای مؤید احمدی رسیده است قرائت می شود:

پیشنهاد آقای مؤید احمدی:

بنده پیشنهاد میکنم از عبادت بقیه عایدات عمل کرد تلفن اولی آخر حذف شود.

مؤید احمدی - همزمانه آقای وزیر مایه هم فرمودند این عبارت خوب نوشته نشده بلك اینکه این عبارت اینطور می رسد: با اینکه قصد دولت و کسب و بوجه این بوده است که منافعی که از سهام تلفن آن سهامی که خودش خریده است عاید می شود صرف توسعه بشود قصد دولت این بوده است لکن این عبارت این طوری می رسد که صاحبان سهام دیگر هم بیچونند که منافعی عایداتشان را صرف توسعه کند شاید آن ها نخواهند این کار را بکنند اما نمی توانیم آنها را اجبار کنیم این است که در قسمت اول که اجازه خواسته اند بنده مواظف در قسمت دوم همانطور که گفتند جمع و خرج مثل سایر عایدات مملکتی باید بمجلس دیگر اینجا لازم نیست اصلا' تذکر بدهند این است که بنده پیشنهاد کردم جمله آخر حذف شود.

رئیس - خاطر آقایان را منوجه بکنم که آقای وشیری آقای هزار جریبی آقای فهیمی آقای ملک مدنی آقای افتخار همین مضمون را پیشنهاد کرده اند.

دشتی - رأی بگیری

روحی - اجازه بفرمایید آقای

رئیس - آقای منیر میخواهند حرف بزنند

دکتر طاهری (عزیر) - اصولاً همینطور که آقای وزیر مایه و آقای وزیر پست و تلگراف توضیح دادند مقصود این نیست که سهام سایرین را منافعی را دولت بخواند صرف توسعه کند دولت میخواهد شریک این شرکت شود مثل یکی از شرکا و تابع مقررات آن می شود اگر اکثریت دارد دارد اگر ندارد تابع اکثریت است و براینی اینکه عبادت این قانون سوء تاخام تولید نکند بنده مواظف هستم که این عبارت حذف شود.

رئیس - نظر دولت هم مواظف است.

وزیر پست و تلگراف - مواظف

رئیس - پیشنهادی از آقای وهاب زاده رسیده است.

پیشنهاد آقای وهاب زاده:

بنده پیشنهاد می نمایم در ماده واحده پنداز هفت سال و نیم بدین ترتیب نوشته شود از محل منافع سهام خود از عمل تلفن اصلا' و فرعا' بردارند و بقیه منافع سهام بیور را نیز در مدت مزبور کالا' و بالاصحار مشخص محتاج اداره و تکمیل و توسعه کار تلفن بوده و همه ساله در بودجه مملکتی برای همین مقصود منظور خواهد شد و آنچه هم صرفه جویی بشود بر بودجه تلفن سال آینده اسانه می شود.

رئیس - آقای وهاب زاده.

فهرست آقای وهاب زاده - با آن توضیحاتی که آقایان دادند تصور میکنم پیشنهاد بنده با نظر آقایان مواظف است

وزیر مایه - قسمت اولی را خیلی روشن نوشته اند و مواظف مقصود آقایان است و این منظور را خوب نوشته اند ولی قسمت آخر چون این جا هم پیشنهاد شد که حذف شود از ایشان ننمایشم که قسمت آخر را مسرد بدارند.

فهرست آقای وهاب زاده - پس بگیرم

رئیس - منظور دولت و مخیر این است که قسمت اول مطابق این پیشنهاد نوشته شود؟

مخیر - بل

بخشی از نمایندگان - پس گرفت

رئیس - پیشنهادی از آقای دبیر رسیده است قرائت بشود:

پیشنهاد می نمایم در ماده واحده اصلاح قبلاً بصل آید: در مدت هفت سال و نیم از منافع حاصله سهام خود وجه مزبور را اصلا' و فرعا' بردارند بقیه عایدات سهام محتض وزارت پست و تلگراف نیز الی آخر.

رئیس - آقای دبیا

طباطبائی دینا - بنده برای همین مقصود این پیشنهادها تقدیم کردم برای احتراز از این قسمت که دولت خیال ندارد اصلا' در منافع سهام دیگری مداخله کند و قرض خودش را از منافع آن سهام بدهد و این که دولت از پیشنهاد اولی را قبول کردند این طور می شود که از منافع کل سهام تلفن وجه سهام را مستهلك كند این را بنده معتقد نیستم و با این ترتیب که بنده پیشنهاد کردم

عقیدمان این است که این مقصود هم سهل می آید.

معتبر - در قسمت اول ماده که خیر کسبیبوت را اصلاح عبارتی بر حسب پیشنهاد آقای وهاب زاده کردند نظریه همه آقایان را تأمین میکند و راجع به قسمت اخیر هم چون این جا نتواند سواً تمام میکند و حذفش را مجلس پیشنهاد کرد حضرتعالی هم استدعا میکنم صرف نظر کنید.

طباطبائی دلیبا - بنده مسترد میکنم.

ولیس - آخرین پیشنهاد متعلق به آقای بیات است. قرائت می شود: بنده پیشنهاد میکنم که بجای دودمت هفتسال و نیم و پست سال نوشته شود.

آقای بیات

مرئیس قلیخان بیات - اساساً بنده مستقدم این مؤسسهائی که حقیقتاً بایستی در دسترس عامه باشد سعی کرد دولت تا اندازه که ممکن است و حتی المقدور وسایلی که محل احتیاج عموم است از حیث مادی و معنوی در دسترس عمومش پیش بگذارد یعنی توسعه داده شود و از طرف دیگر هر قدر ممکن است سهولت در دسترس مردم بگذارد از آن طرف عوایدش پیشتر خواهد شد برای این که هر قدر که زیاد شود منافض پیشتر خواهد شد و هر چه کمتر باشد البته منفعل کمتر است در این مدت ملاحظه شده که دوهزار تا نلفن در طهران دافتر شده ولی اگر ده هزار سیم باشد پنجاهبار سیم باشد یقیناً اگر نصف این قیمت هم گرفته شود منافع سهام شرکت و دولت زیادتر می شود الا آن دوطهران یکنه رفته سیم تلفن دویست تومان، دویست و پنجاه تومان قیمت پیدا کرده در صورتیکه همه محتاجند و دسترس ندارند. این جا دولت پیشنهاد کرده که وجه این سهام را در مدت هفت سال و نیم اصلاً و فرعاً بردارند و توسعه هم بدهند و مخارج هم بکنند آنوقت وقتی که حساب بکنند در نظر دارند که بنده پیشتره خیلی فوائد بزرگ از این کار بدیده شود که در این هفت سال و نیم بتوانند اصل و فرع سرمایه را مستهلك کنند مخارج را هم بدهند و توسعه

هم یدانند وقتی که این نظر در کار بود که اصل و فرع یکنه سرمایه را در مدت هفت سال و نیم مستهلك کنند و مخارج هم داده شود این را باید بپذیری که رفتن بکنند که حقیقتاً مردم توانند تحمل کنند در صورتیکه بنده مستقدم که برای مردم خیلی سهل باشد این است که بنده مستقدم هتم حقیقتاً برای دولت که در این کار میخواهد اقدام کند تلویذ کند که حقیقتاً در دسترس مردم باشد و مردم بتوانند از عواید آنی وجهش برآیند الا آن فرض بفرمایید حتی المکاله و لایات پنج دقیقه بجنبران، هفت قران، هفت قران این مقدار ببقیده بنده خیلی زیاد است در قسمت شهرها هم سه تومان، چهار تومان اضافه مکاله و غیر ذلك هم می گیرند این البته خیلی زیاد است این یکنه مؤسسه است که قوفی ادامه برای مردم مفید است و هر قدر هم ارزاتر باشد عوایدش پیشتر میشود بنا بر این آنچه که بنظر بنده می رسد این است که هفت سال و نیم اگر ما مدت را فراتر بدهیم دولت مجبور می شود که قیمت را ارزان کند تا بتواند آن منافع را ببرد و در مدت هفت سال و نیم اصل سرمایه را استهلاک کند و هیچ شرکی هیچ مؤسسه بندگان نمی کم باشد که اصل سرمایه و توسعه و مخارج را بپردازند در هفت سال و نیم بدیوارند این است که بنده پیشنهاد کردم مدت را زیادتر قرار بدهند بیست سال قرار بدهند که دست دولت هم باز باشد و اگر مدت ادامه بیدارد و بگذردی در این کار قوت پیدا کرد تلویذ بکنند که ارزاتر بکند و در دسترس عمومی پیشتر بگذارد و البته فوائد و منافض هم پیشتر خواهد بود. این نظر بنده است.

معتبر - اولاً بناظر به نمایندگی محترم که همه موافق هستیم که مؤسسات عالیالتفقه هر اندازه که ارزاتر باشد هم منفعت مردم است و هم به منفعت صاحب مؤسسات و کلیتاً چیزهای که بایستی در مقابلش قیمتی تأدیو شود وقتی که ارزاتر شد معرفش زیادتر می شود و از این جهت قایدماش پیشتر می شود این نظریه نماینده محترم را که چنانکه مکرر هم مذاکره شد که قیمت تلگراف را هم اگر ممکن باشد صلاح بر این است که کمتر بکنند برای

این که هم پیشتر مردم استفاده کنند و عایدات هم بیشتر می شود و همین نظریه را هم دولت دارد و قول داده خودشان و تبیین این که در آخر این مدت مستهلك شوند بر حسب تخمین این که منجرب هم نیستند و اگر در آخر این مدت استهلاک نشد استهلال میکند برای یکنه مدت دیگر شاید تا آن مدت که نماینده محترم پیشنهاد کرده اند (در این موقع چند نفر از آقایان نمایندگان از مجلس خارج می شدند)

ولیس - اگر آقایان بیرون بروند بایست ترتیب ما به ختم کار نمی رسیم.

معتبر - منظور دولت این بود که تا آن وقت نمی رسد آن قسمتی که راجع به توسعه پردگی آن اصلاً حذف شد چون اول بعد از استهلاک اصل سرمایه و منافع باز بود عواید صرف توسعه بدون آن قسمت که حذف شد در هر صورت نظر خود دولت این است که پیشتر در دسترس مردم بگذارد اگر دولت موفق شد که اکثریت سهامش را تحصیل بکند البته سعی میکند که سهولت و ارزاتر در دسترس عامه بگذارد.

روحی - بنده يك پیشنهاد داده ام قبل از این است که باین پیشنهاد رأی گرفته شود آن پیشنهاد هم قرائت شود شاید آقای بیات استرداد کنند.

ولیر عالیله - بنده يك کلمه عرض کنم بعد از آن رأی بگیرد. این کار حیا نیست شده بعضی از آقایان تصور میکنند که باین منافع هم استهلاک و هم توسعه را در نظر دارند در صورتیکه توسعه و اینها را مجبور نیست در خود اصل لایحه نوشته بود که در مدت هفت سال و نیم از منافع حاصله عمل تلفن وجه مزبور را اصلاً و فرعاً از منافع سهام خود بردارند و در قسمت که راجع به توسعه پردگی اگر در نظر دارد باید سرمایه را زیادتر بکنند

و یکنه بیلیون تومان سرمایه کافی برای این مقصود نیست که هم دولت یکنه تا یک نصف دادو تا یک سهام را بخرد و هم برای توسعه خرج کند و ما نمی توانیم مواظت کنیم که یکنه بیلیون تومان فرض کنیم و الا با بتامیلی یا از یکنه دیگر از داخل یا خارج آنوقت بگذارد هم

روحی - بسیار خوب بنده هم مسترد میکنم.

سالی يك قسمت از عایدات این را بردارند برای توسعه يك قسمتی را برای سرمایه این ناسالهای سال هم مستهلك نمی شود منظور دولت این بوده است که تمام عایدات این وجه و فرضش داده شود که دودتر منافع شود و اگر مقصود این است که هم سرمایه و مستهلك شود و صرف توسعه و تکمیل هم بشود باید خود سرمایه را درست بدهیم سهم زیادتر بخردند دستگا و بزرگ بکنند که از عایداتش هم توسعه بدهند و هم سرمایه اش را بردارند

ولیس - آقایان بیکه پیشنهاد آقای بیات را قابل توجه میداند قیام نمایند.

(عده کمی قیام نمودند)

ولیس - قابل توجه شد. پیشنهاد دیگری از آقای عراقی اخیراً رسیده است:

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی: بصره قبل از بماده واحده پیشنهاد مینمایم. بصره - استحصالی که خطوط خارجه از طهران را برای سیم کشی تلفن اجاره کرده اند اجاره آنها بصلت خود باقی خواهد بود تا مدت اجاره آنها تمام شود.

ولیس - آقای عراقی

عراقی - در این جا در لایحه که نوشته شده بعنوان خریداری سهام است و خریداری اجاره مشمول این ماده نیست بنده این بصره را پیشنهاد کردم مقصود این نیست که این بصره تصویب شود منظور این است که دولت یعنی آقای وزیر پست و تلگراف اجازت توضیح بدهند که امر اجاره مربوط باین اجازت که باین جا نوشته شده است نیست اگر توضیح بدهند بنده این بصره را که پیشنهاد کردم مسترد میدارم اگر توضیح ندهند بنده بقتل میجامم است.

ولیر پست و تلگراف - آقای تشریف نداشتند این جا بنده مخصوصاً توضیح بادم عرض کردم یکی مسئله خود سهام است و یکی هم مسئله اجاره های است که در دست اختصاص است مسئله اجاره بالاخره از این کار مجزی است و نسخ اجاره با تراشی طرفین است.

عراقی - بسیار خوب بنده هم مسترد میکنم.

رولیس - ماده الحاقیه از آقای روحی رسیده است
قرائت می شود:
روحی - بنده این پیشنهاد استرداد می کند پیشنهاد دیگر
 قرائت شود.

رولیس - پیشنهاد دیگر آقای روحی قرائت میشود:
 پیشنهاد می کند مدت مذکور در این قانون به دوازده
 سال امتداد یابد.
رولیس - آقای روحی.

روحی - عرض کنم همینطور که آقای بیات توضیح
 دادند و خاموشی می آید یک موفقی که راجع به خود
 شرکت تلفن یک لایحه مطرح بود همه آقایان اینجا
 فریاد می زدند که از حاشی مکالمات زیادی را میگیرند
 و غالباً سیم کابل ندارند و لایات را بیخ دقیقه بنظران
 می گیرند امروز در این مورد هیچ گفته اند و هیچ بیانات
 نذکر داده اند که اتفاقاً یکدیگر آسپهان برای مردم
 فراهم کنند و یکدیگر بیشتر سیم را در طهران دار
 کنند در اساتذیه شرکت تلفن قید است که هر وقت سیم
 از دوهزار پالا وقت یک نلک یاضف از آبیرو فلی
 را کمتر بگیرند الا آن اگر سیم داشتند تا پنج هزار رفته
 سیم در طهران دار می شد و تقاضا می شد بنده میخواستم
 تقاضا کنم که اولاً یکدیگر راجع به توسعه اقدام کنند
 و آنها هم نمی شود در طرف هفت سال و نیم عمل کرد
 این دوازده سال یک مدتی است که هم دولت می تواند
 اصل پول را پس بدهد و هم می تواند در ضمن به توسعه
 پردازد از آن طرف سایر شرکاء یک تسریاتی
 آقای دشتی فرمودند که شاید اقلیت حاضر نباشد پولش
 را بدهد صرف یک مصارفی بکند عرض کنم آن شرکت
 غیر از شرکتی است که با امور عامه تماس دارد البته بنده
 و جنابایی اگر شریک باشند این طور است ولی تلفن
 که محل ابتلاء عمومی است الا آن در طهران تقاضا
 میدهند که میخواهم سیم داشته باشیم شریک میگوید من
 نمی خواهم پولم را بدهم این حرف نامشروع است هر قدر
 بخواهد او بپایستی بدهد و دولت یا هر کسی دیگر
 باشد موافقت کرد زیرا که مردم احتیاج زیاد به تلفن

دارند و ما به الا احتیاج مردم است بنده عقیده دارم که این
 دوازده سال یک مدت عادلانه است و اگر قبول فرمایند
 خیلی خوب است و اگر هم قبول نفرمایند بنده نظر
 مجلس است.

رولیس - آقای اعتبار
اعتبار - یک قسمت از فرمایشات آقای روحی راجع
 به سیم و بالاخره ترتیب تنظیم و این حرفها بود که نظر
 دولت هم همین بود و هم آقای وزیر پست و تلگراف
 مخصوصاً این قسمت را مکرر وعده فرمودند که در آن
 قسمت تشکیلات و تنظیمات اداره تلفن دولت نظر
 خواهد داشت اما در آن قسمت دوازده سال بنده خیال
 میکنم که همینطور که آقای وزیر مالیه فرمودند یک
 حسابی شده که هفت سال و نیم می شود والا ممکن
 بود هفت سال بنویسند اما خیال میکنم آن حساب را
 می کردند که قسمت اخیرش حذف نشده بود والا
 حالا این حساب مورد ندارد و درست در نیم آید و بنده
 پیشنهاد کردم که اسلا هفت سال و نیم را هم برداریم
 و بنویسیم تا موفقی که اصل سرمایه را مستهلک کند حالا
 این ممکن است تا هفت سال باشد هفت سال باشد، ده
 سال باشد هر وقت که این سرمایه مستهلک شود آقای
 بردارند برای توسعه و برای این کار هم با بانک ملی
 فراری خودشان بگذارند و محدود کردن مدت اسلا
 بنظر بنده لازم نیست.

روحی - بنده مسرد میدانم رو با پیشنهاد آقای اعتبار
 موافقم.

رولیس - پیشنهاد آقای اعتبار قرائت میشود:
 بنده پیشنهاد میکنم جمله مدت هفت سال و نیم حذف شود.
مطهر - بنده موافقم.

روحی - یک مدتی پیشا بگذارید.
رولیس - چه فرمودید آقای مختبر؟
مطهر - بنده با این پیشنهاد موافقم.
بیات - اجازه میفرمایند؟
رولیس - آقا عنو کیسیون هستند. بفرمایند.
بیات - این جا عبارتش را باید اصلاح کنیم

بنده هم در همین زمینه پیشنهادی کردم اگر مقرر
 فرمایند قرائت شود ممکن است توافق وین دو نظر شود
 و ماده بآخیر نوشته شود.

رولیس - پیشنهاد آقای بیات قرائت میشود:
 بنده پیشنهاد میکنم که عبارت ماده بشرح ذیل اصلاح
 شود:
 بعد از مبلغ یک میلیون تومان نوشته شود توسط وزارت
 مالیه از بانک ملی ایران استقرض نموده و تمام منافع
 حاصله از سرمایه خود را اسلا و فرعا تا موفقی که
 استقرض مذکور مستهلک شود به بانک ملی مسترد دارند.

رولیس - آقای اعتبار
اعتبار - پیشنهاد بنده این بود که هفت سال و
 نیم را بزین و هیچ تغییری هم در عبارت ننهدند و
 هیچ اشکالی هم نیست عبارت این طور می شود: یک
 میلیون تومان توسط وزارت مالیه از بانک ملی ایران
 استقرض نموده و از منافع حاصله عمل تلفن وجه ضروری
 را اسلا و فرعا از منافع اسهام خود بردارند. این عین
 عبارت ماده است فقط آن جمله هفت سال و نیم حذف
 می شود و اشکالی که بنظر بنده در پیشنهاد آقای بیات
 است این است که ممکن است وزارت پست و تلگراف
 یک قراردادی با بانک بزند که یک قسمت از منافع را
 بجای قرضش بدهد و یک قسمت دیگر را صرف توسعه
 و تکمیل آن باصوبی سایر شرکاء بکند آنگاه سرکار
 مقید فرموده اید که حتماً باید تمام را بقرضش بدهد این
 عیب پیدا می شود ولی اگر اسلا هفت سال و نپهرا
 بردارند بنظر بنده منظور را انجام میدهد.

وزیر مالیه - این که آقای مختبر قبول فرمودند خیلی
 فرق در میان است ولی عهده فرق در این است که قانون
 باید مابند بکند که تمام منافع صرف استهلاك اصل فرغ
 بشود و منظور این نیست که از منافع یک چیزی برداشت
 شود این را وزارت مالیه از بانک ملی تمام دولت قرض
 میکند و در واقع محل داده است و در مقابل باید بگوید
 من منافع را اسلا و فرعا میدهم تا موفقی که مستهلک شود
 همانطور که فرمودید مدت هم گذاشته نشود ممکن است

پنجسال باشد، دمسال باشد ولی برای توسعه کار عرض
 کردم که باید سرمایه را توسعه بدهد و نمی شود برای
 توسعه آطور که آقایان اشاره فرمودند هم منظر هم
 استهلاك سرمایه و هم توسعه بدهیم. (صحیح است)

رولیس - آقای بیات حمایت میفرمایند از پیشنهادتان
 بیات - بنده نظر من همین بود که سرمایه را بوقت کنند.
رولیس - پس قدوم بنظر این است که آن عبارت هفت
 سال و نیم حذف شود. نظر آقای احتشام زاده من تأمین
 شده است.

احتشام زاده - بسل مال بنده هم چونت حذف
 هفت سال و نیم بود تأمین شد.

رولیس - پیشنهاد آقای عیبط قرائت میشود:
 بنده پیشنهاد میکنم که در ماده اول نوشته شود:
 ماده اول - یوزارت پست و تلگراف اجازه داده میشود
 که با رضایت صاحبان سهام بعمل می آید الی آخر ماده.
رولیس - آقای عیبط.

میر سید محمد محیط لاریجانی - در این کلمه که در
 ماده اول نوشته است منی اثر است که بدو ک اجازه
 داده می شود که سهام شرکت تلفن را خریداری کند و
 فردا اگر یک نفر بخواهد یک کلمه از برای وصول
 منافع بگوید متذکر خواهد شد که باید فرورشد و ما
 باید بخیریم و این کلمه برضایت صاحبان سهام که بنده
 پیشنهاد کردم رفع این منظور را میکند این بود که پیشنهاد
 پیشنهاد کردم اضافه شود.

مطهر - این توضیح واضح است و خرید همیشه با
 رضایت طرف است و از این جهت نظر آقای محیط
 تأمین است.

محیط - مسرد میکنم.
رولیس - امیدوارم آخرین پیشنهاد باشد.
پیشنهاد آقای شریعت زاده:

اصلاح ماده واحده - دولت مجاز است از بانک ملی
 ایران مبلغ یک میلیون تومان بصدت دمسال استقرض
 و از وجه ضروری از سهام شرکت کابل تلفن ایران و
 مؤسسان دیگر تلفن هر قدر ممکن است خریداری و در

شرکت کل تلفن و مؤسسات دیگر تلفن پتوران شرکاء وارد شود و در تمام مدت مساوی باید اقساط فوق‌الذکر همه ساله در بودجه وزارت پست و تلگراف و تلفن منظور و عایدات سهام متعلقه به دولت نیز در بودجه مالیاتی محسوب گردد.

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - بنده بلك اشكالى مى بینم راجع باین مطلب زیرا كه البته راجع باینصحبیل اجازه برای خرید سهام اشكالى نیست و راجع به استقراض هم اشكالى نیست ولی اشكالى كه هست این است كه تخصیص داده شده است منافع سهام متعلقه بدولت در درجه اول برای پرداخت این قروض نظر بنده اینمصرفه نیین آن در قانون صحیح نیست زیرا كه تقسیم منافع بین شرکاء و ترتیب پرداخت آن باید بموجب اسنانه و بطریق تصمیم مجمع عمومی بعمل یاید شاید اوضاع و احوال طوری باشد كه مجمع عمومی تصویب كند كه منافع حاصله را به مساجان سهام بدهند و آنوقت دولت نمیتواند این اقساط را بدهد اگر خود دولت این كار را كرده بود اشكالى نداشت ولی چون ممكن است سایر شرکاء بواقفت نكند بنا براین بنده این طوره پیشنهاد كردم كه این مبلغ را وزارت پست و تلگراف در بودجه خودش اسلماً و فرعاً منظور كند و در مقابل آنچه عایدات كه متعلق بهم دولت است در بودجه عمومی بنویسد كه هیچ قیدی نباشد كه حتماً از عایدات این وجه وجه استهلاك آن پرداخته شود.

رئیس - آقایان كه پیشنهاد ..

وزیر مالیه - بنده عرض دارم.

رئیس - بفرمائید.

وزیر مالیه - بنده باینمى بینم آقای شریعت زاده رفته اند سرمنته اول كه مجمع عمومی تصدیق كرده اند یا نكرده اند باید از طرف مجمع عمومی شركت اجازه داده شود بنا نیست كه از منافع كل شركت بدهند بنا است از مانعی كه خود دولت از این سهام دارد این قرض را بدهد و باید مجمع عمومی شركت

ایشان آراء بعمل آمده هست و هفت و ده تصدیق نداشتند (رئیس - عده حاضر در موقع اعلام رأی ۸۸ نفر ۴ - موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه | با كثریت ۶۷ رأی تصویب شد ؟)

رئیس - آقای وزیر مالیه چون احتیاج مبرمی دارند و بنده یادآوری میگردنم كه آن چند كاری كه دارند از مقوله آن كارهای كه می شود با پرو زمان با آنها مواجه شد نیست و خیلی ضرورت دارد كه باید بگذرد

شریعت زاده - بلك اشكناهی شده است آقای وزیر مالیه بنده عرض كردم كه دولت ممكن است در نتیجه تصمیم مجمع عمومی بتواند آن سال از منافع سهام خودش استفاده كند (افشار - خودش اكثریت دارد) خیر مطابق قانون صاحب سهام هر قدر هم سهم داشته باشد پیش از خمس آراء را نمیتواند داشته باشد اكثریت سرمایه را دارد این جزء اسنانه هم هست اگر در يك شركت يك نفر دو تكت سرمایه را داشته باشد و پنجاه نفر يك تكت آن يك نفر پیش از يك خمس آراء را در آن شركت نمیتواند داشته باشد عرض كردم ممكن است مجمع عمومی شركت رأی بدهد كه اسلماً عایدات تقسیم نشود این يك مسئله است (به قانون تجارت مراجعه بفرمائید) آنوقت محلی ندارد این بود كه بنده پیشنهاد كردم كه دولت در بودجه عمومی پرداخت مبلغ قرض را منظور بدارد اگر منافع رسیده كه صرف آن كاز میكد اگر رسید كه از آن محل این قرض و نظر آقای وزیر مالیه تأمین می شود.

رئیس - آقایانكه پیشنهاد آقای شریعت زاده را قابل توجه میدانند قیام فرمائید.

(صدور قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد. رأی دیگریم به ماده واحد با حذف جمله (از قبیه عایدات متعلقه) كه توافق شد و حذف مدت.

معتبر - حذف این عبارت (در مدت هفت سال و نیم) و حرف (واو) باقی میماند.

رئیس - برای ارتباط البته حفظ میگردم. موافقتین و رفته سنبه خواهند داد. آقایان بدواز رأی تشریف بفرمائید

و تا زمان داشتند كه آقایان صرف وقت بگذرد و یکی دو جلسه این كارها را تمام كند و چون برای كارهای خصوصی هم روز هشتبه ساعت هفت بعد از ظهر در عمارت علیجده وقت مبین شده لهذا جلسه آینده چهارشنبه ساعت هفت دستور لوابیح عالی (مجلس يكساعت و بیست دقیقه بعد از ظهر ختم شد) رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

اسامی موافقتین: آقایان: مهدی - سهرابان ساگییان - دكستر شبانی - مجد شبانی - دكتر احتشام - روسی - دكتر سنگ پورس آقا و باب زاده - میر فرزند - مسعود باقی - دیوانی - لویس - قزوی - علوی - سیزوری - مسعودی - خراسانی - ملك معنی - حاج میرزا حسین خان قاضی - موفز - میرزا محمدحسین نواب - سید كاظم زودی - طریحانی - وكیلی - رضا قلی خان باستانی - محمد ناصر خان فتالی - خواجوی - ناصر - چندیسی - طلسی خان - دكستر شیخ - دیبانی - کرمانی - مصمم سنگ - نامری - لاریجانی - حبیب قلی خان نواب - اوروك - میرزا صادق خان اكبر - دكستر مطهره هه خان سیدی - احتشام زاده - زومنی - قومی - ملك زاده آملی - ثناء الاسلامی - اسدولل خان شفتلی - یات ناك - امیر اربابیس - امیر جهان بختیاری - قاضی خان بختیار - میری - احتیار - دادور - افغنی - جردی - محمد آبی خان اسد - دكستر طهری - قراقرز لو - امیر دولتشاه - شرابی - میرزا پاس - بوشهری - میرزا اسدالله قلی - میرزا علی حاجی - سكاکی - نریز - اسدی - صداری - حاج محمد رضا پهبانی - مؤدبی - اسامی مخالفین: آقایان: دوش - میرزا حسین خان انثار

قانون

قانون اجازه استقراض يكاً مليون تومان بوزارت پست و تلگرافه برای خرید سهام شرکت كل تلفون ماده واحده - بوزارت پست و تلگرافه اجازه داده می شود که برای خرید سهام شرکت كل تلفون و مؤسسات تلفون و لایات و تولید سرمایه و توسعه تکنیکالات تلفون مبلغ يكاً مليون تومان توسط وزارت مالیه از بانک ملی ایران استقراض نموده و از محل منافع سهام خود از عمل تلفون وجه مزبور را اسلاف و فرعاً بردارد. این قانون که مشتمل بر يك ماده است در جلسه هیجدهم دیماه پانزهار و سصد و ده شمس تصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر